

بسم الله الرحمن الرحيم

بولتن تحلیلی ۱۰



مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله):

تفرقه امت اسلامی، از بین برنده معنویت، طراوت و شکوه مسلمین

جنگ شیعه و سنی برای دشمنان اسلام خیلی قیمت دارد. اختلاف و تفرقه میان امت اسلامی موجب می‌شود که معنویت،

طراوت، قدرت، شکوه و عظمت ائتلاف ملی شما را در هم بشکند و همان‌طور که قرآن فرموده است «وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۱

بیانات در دیدار مردم زاهدان ۲ اسفند ۱۳۸۱.

بحران تفرقه و آرمان تمدن‌سازی اسلامی در عصر حاضر



جهان اسلام در برهه‌ای حساس از تاریخ خود قرار دارد؛ برهه‌ای که از یک سو، بحران‌های داخلی و دسیسه‌های خارجی، پیکره امت را دچار تفرقه و ضعف ساخته و از سوی دیگر، ندای بیداری و بازگشت به عزت و تمدن در سراسر عالم اسلامی طنین‌انداز شده است. در این شرایط، پرداختن به چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، نه تنها یک ضرورت تحلیلی، بلکه وظیفه‌ای دینی و

۱. سورة انفال، آیه ۴۶.

برعهده هر مسلمان است. موضوعات پنج‌گانه‌ای که در این بولتن به بررسی آن‌ها می‌پردازیم، هرچند در ظاهر متفاوت به نظر می‌رسند، اما همگی اجزای یک کل واحد و زنجیره‌ای به هم پیوسته از موانع و راهکارهاست که در نهایت به دو راهی بزرگ «وحدت یا تفرقه» و «تمدن یا افول» ختم می‌شوند.

این بولتن تلاش دارد تا این مسائل را با نگاهی عمیق و راهبردی تحلیل کند. در این مسیر، مخاطب اصلی خود، یعنی برادران و خواهران محترم اهل سنت را در نظر داشته و بر مشترکات اعتقادی و عملی امت اسلامی تأکید می‌ورزد. از تعریف وحدت به عنوان بنیان تمدن‌سازی، تا تبیین موانع بیرونی و تحولات میدانی مانند تجاوز رژیم صهیونیستی به قطر، حرکت کاروان‌های امدادی «صمود»، و حتی ترور یک چهره سیاسی در ایالات متحده، همه و همه در این گزارش به گونه‌ای بررسی می‌شوند که نشان دهند چگونه دسیسه‌های دشمن، به دنبال تضعیف آرمان بزرگ وحدت و تمدن‌سازی است.

۱/۱. تعریف وحدت از منظر فقه اهل سنت و مبانی آن در کتاب و سنت

وحدت اسلامی، مفهومی فراتر از اتحاد سیاسی یا همکاری مصلحتی می‌باشد. از منظر آموزه‌های دینی، این مفهوم ریشه در اصول بنیادین اسلام دارد و در حقیقت، تجلی عملی اخوت ایمانی است. وحدت اسلامی به معنای اتحاد و یکپارچگی میان مسلمانان، فارغ از تفاوت‌های مذهبی، فرهنگی، قومی و نژادی می‌باشد. این مفهوم تأکید دارد که همه مسلمانان، به عنوان پیروان دین اسلام و معتقد به توحید، باید در مقابل چالش‌های داخلی و خارجی متحد باشند و اختلافات و تعصبات جزئی نباید باعث تفرقه و جدایی آن‌ها شود. در تعریفی دقیق‌تر، وحدت اسلامی به معنای همکاری و تعامل مثبت میان مذاهب و فرقه‌های مختلف اسلامی است تا امت اسلامی بتواند قدرت و عزت خود را حفظ کند و در برابر تهدیدات و توطئه‌های خارجی مقاومت کند. این وحدت بر پایه اصول مشترک دین اسلام، همچون ایمان به خداوند یکتا، قرآن کریم و پیامبر اسلام (صلوات الله علیه و آله) استوار است.

مبانی قرآنی وحدت

مبانی این وحدت در نصوص دینی، به ویژه در قرآن کریم و سنت نبوی، به وضوح بیان شده است. قرآن کریم مسلمانان را به وحدت و همبستگی فرا می‌خواند و تفرقه و اختلاف را نکوهش می‌کند. در آیه ۱۰۳ سورة آل عمران آمده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

این آیه نشان‌دهنده تأکید قرآن بر همبستگی و اتحاد میان مسلمین است و از آن‌ها می‌خواهد که اختلافات جزئی را کنار بگذارند و به اصول اساسی دین اسلام توجه کنند.

همچنین، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در سنت خود همواره مسلمانان را به وحدت و برادری دعوت می‌کرد و تلاش می‌نمود که اختلافات قبیله‌ای و نژادی میان آن‌ها را از بین ببرد. ایشان در خطبه‌های خود بر اهمیت همبستگی و برادری در

جامعه اسلامی تأکید داشتند؛ برای مثال، در خطبه حجة الوداع اعلام کردند که همه مسلمانان برابری و هیچ گونه برتری میان آنان به دلیل نژاد یا قبیله وجود ندارد.^۱

در حدیث دیگری، امت اسلامی را به یک پیکر واحد تشبیه کردند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا نیز متأثر خواهند شد.^۲ در ادبیات فقهی نیز، قواعدی همچون "احترام به مال مسلم" و "اجتناب از فساد در زمین" به عنوان مبانی فقهی برای اثبات ضرورت وحدت مطرح شده‌اند.

ابن کثیر در تفسیر آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» می‌گوید: «حَبْلِ اللَّهِ» به معنای عهد خداوند است و همچنین به قرآن کریم اطلاق می‌شود. وی از حدیث حارث اعور نقل می‌کند که علی (علیه السلام) در توصیف قرآن فرموده: «هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ». همچنین طبری از ابی سعید خدری نقل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرموده: «كِتَابُ اللَّهِ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ».^۳

قرطبی در تفسیر خود تأکید می‌کند که «وَلَا تَفَرَّقُوا» یعنی در دین خود تفرقه نیندازید همان گونه که یهود و نصاری تفرقه انداختند. این تفسیر نشان می‌دهد که وحدت دینی و اعتقادی از اصول اساسی در نگاه مفسران اهل سنت محسوب می‌شود.^۴

قرآن کریم در آیات دیگری نیز بر وحدت تأکید کرده است. در آیه ۶۴ سوره آل عمران، خداوند پیامبر را مأمور می‌کند تا اهل کتاب را به «كَلِمَةٍ سَوَاءٍ» دعوت کند که محور آن توحید است. همچنین در آیه ۹۲ سوره انبیاء، خداوند فرموده: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» که بر وحدت اصلی امت الهی تأکید دارد.

مبانی حدیثی وحدت امت

حدیث اخوت مؤمنان

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیث صحیحی فرمودند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّى». این حدیث که در صحیح بخاری و مسلم نقل شده، مؤمنان را به یک پیکر تشبیه می‌کند که اگر عضوی از آن درد کند، تمام بدن دچار بی‌خوابی و تب می‌شود.^۵

بخاری روایتی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که حضرت مسلمان را برادر مسلمان دانستند:

«حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنْ عُقَيْلٍ عَنْ بَنِّ شِهَابٍ أَنَّ سَالِمًا أَخْبَرَهُ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ أَخْبَرَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً

1. <https://www.matinstudies.com/blog/153>

2. <https://rasekhoon.net/rmagazine/show/1549483>

۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دار طيبة للنشر و التوزیع، ۱۹۹۹.

۴. القرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، دار الکتب المصرية، ۱۹۶۴.

۵. همان.

فَرَجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ستم می‌کند و نه او را (در سختی‌ها) رها می‌سازد. هر کس در نیاز برادر مسلمانش بکوشد، خداوند در نیازش یاری‌اش خواهد کرد. هر کس گرفتاری مسلمان را برطرف سازد، خداوند در روز قیامت گرفتاری‌ای از گرفتاری‌هایش را برطرف خواهد کرد و هر کس عیب مسلمان را ببوشاند، خداوند در روز قیامت عیب او را می‌پوشاند.

اهتمام به امور مسلمانان

پیامبر (صلی الله علیه وآله) با تأکید فراوان بر اهتمام مسلمانان نسبت به امور یکدیگر چنین فرمودند: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛^۲ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست». حاکم نیشابوری روایتی را به این صورت نقل می‌کند: «حدثنا عبد الباقي بن قانع الحافظ ببغداد ثنا عبید الله بن أحمد بن الحسن المروزي ثنا إسحاق بن بشر ثنا مقاتل بن سليمان عن حماد عن إبراهيم عن عبد الرحمن بن يزيد عن بن مسعود رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من أصبح و همه غير الله فليس من الله في شيء ومن لم يهتم للمسلمين فليس منهم؛^۳ هر کس صبح کند و دغدغه‌اش غیر از خدا باشد، از خدا (و دین او) نیست، و کسی که به امور مسلمانان اهتمام نرزد، از آنان محسوب نمی‌شود».

تجربه تاریخی نشان داده که هرگاه مسلمانان بر محور مشترکات دینی و تمسک به قرآن و سنت متحد بوده‌اند، توانسته‌اند تمدن شکوهمندی بنا کنند و در برابر تهدیدات خارجی مقاومت نمایند. بر این اساس، احیای وحدت اسلامی بر مبنای تعالیم قرآن و سیره نبوی ضرورتی انکارناپذیر برای نهضت تمدن‌سازی نوین اسلامی محسوب می‌شود.

این روایات که دلالت بر اخوت اسلامی دارند بر این اصل تأکید می‌کنند که مسلمانان با هم برادرند و باید مانند اعضای یک خانواده رفتار کنند. همچنین بر مسئولیت‌پذیری، تعاون و حمایت متقابل میان مسلمانان تأکید دارند و اینکه رفتار نیک با برادران دینی، پاداش اخروی و یاری الهی را در پی خواهد داشت.

۱/۲. نقش راهبردی وحدت در شکل‌گیری و اعتلای تمدن اسلامی

وحدت تنها یک ارزش اخلاقی و دینی نیست، بلکه یک عامل حیاتی و راهبردی در تحقق تمدن است. تاریخ تمدن‌ها نشان می‌دهد که همبستگی و یکپارچگی، از جمله مسائل کلیدی در شکل‌گیری و اعتلای آنهاست. احیای تمدن اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین، از تأثیر وحدت بر امنیت و اقتدار تمدن اسلامی تا تأثیر آن بر تعاون، مشارکت و رشد اقتصادی قابل بررسی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مصادیق تأثیر وحدت در تمدن‌سازی، دوران طلایی تمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم هجری است. در آن دوره، با وجود تنوع مذاهب و فرقه‌ها، جامعه اسلامی به قله‌های رفیع علم، فرهنگ و تمدن دست یافت. این دستاورد بزرگ

۱. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۸۶۲؛ نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۹۶.

۲. کلینی، یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۵.

۳. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۵۶.

مرهون اتحاد و همبستگی مسلمانان بر اصول بنیادین دین بود که در مقابل دشمنان مشترک، صف واحدی را تشکیل دادند.^۱ بزرگان فکری معاصر مانند امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) نیز وحدت را یک اصل قرآنی و نه یک امر تاکتیکی می‌دانند. منظور از وحدت، انتخاب مشترکات با حفظ تفاوت‌های فرعی و قرار گرفتن در یک صف واحد در مقابل دشمن مشترک است.^۲

این رویکرد به معنای چشم‌پوشی از هویت‌های مذهبی نیست، بلکه به معنای تمرکز بر اشتراکات مسلمانان و مقابله با تهدیداتی است که امت اسلامی را هدف قرار داده‌اند.^۳

تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که ضعف درونی امت اسلامی، مانند بدگمانی، تعصبات کور و صدور فتاوی غیرمستند، زمینه‌ساز بهره‌برداری دشمنان از طریق ابزارهای رسانه‌ای و ایجاد درگیری‌های داخلی است. این چرخه معیوب، مانع اصلی شکل‌گیری قدرت واحد اسلامی و تحقق تمدن نوین می‌باشد. بنابراین، هرگونه تلاش برای احیای تمدن اسلامی، باید از اصلاح درونی و تحکیم پیوندهای برادری میان مسلمانان آغاز شود. از این رو، وحدت اسلامی، نه تنها یک شعار، بلکه تنها راه خروج از بحران‌های فعلی و دستیابی به قله‌های رفیع تمدن نوین اسلامی است.

موانع بیگانگان در مسیر تمدن‌سازی اسلامی



1. <https://journal.isihistory.ir/article-1-46-fa.pdf>

۲. همان.

3. <https://B2n.ir/kx2487>

۱/۲. راهبردهای تاریخی و معاصر استعمار و استکبار

اسناد و شواهد تاریخی دو قرن اخیر، نشان می‌دهد قدرت‌های خارجی، به ویژه استعمار غرب و نظام سرمایه‌داری جهانی، مهم‌ترین عامل بیرونی در افول و تفرقه امت اسلامی بوده‌اند.^۱ این قدرت‌ها با اتخاذ راهبردهای پیچیده و چندلایه، تلاش کرده‌اند تا با از بین بردن انسجام مسلمانان، سلطه خود را استمرار بخشند.

یکی از برجسته‌ترین این راهبردها، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. استعمار بریتانیا در جنگ جهانی اول، با متحدکردن سران عرب و بسیج آن‌ها حول محور ملی‌گرایی، امپراتوری عثمانی را متلاشی کرد.^۲ پس از این واقعه تلخ، جهان اسلام به کشورهای کوچک تقسیم شد و ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه مانند پان‌ترکیسم در ترکیه و پان‌عربیسم در کشورهای عربی رواج یافت. هدف این سیاست، تضعیف باورهای دینی و تیره ساختن روابط میان مسلمانان بود تا از اتحاد آن‌ها در برابر استعمار جلوگیری شود.^۳ همچنین، مرزهای مصنوعی که در توافق‌نامه سایکس-بیکو تعیین شد، گروه‌های قومی و مذهبی را در چارچوب‌های سیاسی جدید قرار داد و زمینه‌ساز تنش‌های داخلی و قومی شد که آثار آن تا امروز در کشورهای منطقه دیده می‌شود.

دیگر ابزار راهبردی بیگانگان، استفاده از «استشراق» و جنگ نرم بود. فعالیت‌های علمی، سیاسی و اجتماعی مستشرقان، که غالباً با وابستگی به استعمار صورت می‌گرفت، با هدف مهجور کردن آموزه‌های وحدت‌بخش دین و تحریک اقلیت‌های مذهبی و ملی انجام می‌شد.^۴ مستشرقان، با نوعی مظلوم‌نمایی کاذب، نقش این اقلیت‌ها را مهم جلوه داده و آن‌ها را طبق منافع استعماری خود سوق می‌دادند.

علاوه‌براین، در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، قدرت‌های استعماری برای تضعیف انسجام مسلمانان، به ایجاد فرقه‌های ساختگی دست زدند. هدف آنها سرکوب توان دفاعی مسلمانان و جلوگیری از مقابله آن‌ها با استعمارگران بود. در این زمینه، برخی تحلیل‌ها به «خاطرات مستر همفر»، جاسوس بریتانیایی، اشاره دارند. اگرچه اصالت این خاطرات مورد مناقشه است، اما در جهان اسلام نمادی از استراتژی‌های استعماری در ایجاد وهابیت و تفرقه‌افکنی می‌باشد.^۵ این «خاطرات» به‌عنوان یک روایت تاریخی، نقشه‌ای پلید را به تصویر می‌کشد که چگونه با هدف قرار دادن یک شخصیت فکری و حمایت از او، یک جریان فکری تندرو ایجاد شد تا در میان مسلمانان، تفرقه و خونریزی بپا کند.

1. <https://www.adyanet.com/fa/news/39932>

2. <https://B2n.ir/mk2624>

۳. همان.

۴. همان.

5. https://raj.smc.ac.ir/article_2639.html

۲/۲. تحلیل نقش محمد بن عبدالوهاب در گفتمان تفرقه-وحدت

محمد بن عبدالوهاب، مؤسس فرقه وهابیت، یکی از شخصیت‌های بحث‌برانگیز در تاریخ اسلام محسوب می‌شود که نقش مهمی در ایجاد تفرقه در امت اسلامی ایفا کرده است. بررسی آرا و عملکرد او در قیاس با ابن تیمیه نشان می‌دهد که وی فراتر از پیشینیان خود، اندیشه‌هایی تکفیری و تفرقه‌افکن را در جهان اسلام رواج داد.

تقسیم‌بندی متناقض توحید

محمد بن عبدالوهاب در آثار مختلف خود، تقسیم‌بندی‌های متفاوت و متناقضی از توحید ارائه داد. گاه آن را به دو بخش ربوبی و الوهی و گاه به سه بخش ربوبی، الوهی و اسماء و صفات تقسیم می‌کرد. این تناقض در اصول اعتقادی موجب شد تا برخی محققان نظیر ابن مرزوق این ناپایداری را نشانه‌ای از «جهل او نسبت به اصول دین» عنوان کنند. در تقسیم‌بندی او، توحید الوهی به معنای توحید در عبادت تلقی می‌شد، در حالی که توحید ربوبی را امری مسلم و مورد قبول حتی کافران و مشرکان می‌دانست.^۱

تکفیر گسترده مسلمانان

برخلاف ابن تیمیه که عمدتاً با گروه‌های خاصی مخالفت می‌کرد، محمد بن عبدالوهاب به گونه‌ای افراطی همه مسلمانان غیر از پیروان خود را تکفیر کرد. وی در سخنانی صریح اعلام داشت: «من، معنای لا اله الا الله را نمی‌دانستم و اسلام را نمی‌فهمیدم، تا اینکه خداوند بر من منت گذاشت. در بین مشایخم هیچ‌کس وجود ندارد که معنای اسلام را درک کرده باشد». این ادعا در عمل به تکفیر همه مسلمانان از زمان احمد بن حنبل تا زمان خودش منجر شد.^۲

حتی محمد بن عبدالوهاب «شُرک مسلمانان» را بدتر از شرک بت‌پرستان جاهلی می‌دانست: «شُرک مسلمانان غلیظ‌تر از شرک بت‌پرستان زمان جاهلیت است». این درحالی بود که او تمام مذاهب اسلامی را نیز کافر می‌دانست.^۳

مخالفت خاندان و علمای اهل سنت

آنچه وضعیت محمد بن عبدالوهاب را بیش از پیش روشن می‌سازد، مخالفت شدید نزدیکان اوست. پدرش عبدالوهاب که یکی از علمای صالح حنبلی به شمار می‌رفت، «عقاید او را مردود شمرده و او را از ابراز عقاید انحرافی باز داشت». برادرش سلیمان بن عبدالوهاب، که خود عالمی حنبلی مذهب بود، کتابی بر رد برادرش به نام الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه نوشت. او در این کتاب به محمد بن عبدالوهاب خطاب می‌کند: «شما کسانی را تکفیر می‌کنید که شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت رسول خدا می‌دهند، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌پردازند، روزه می‌گیرند و حج به جای می‌آورند».^۴

1. <https://www.alwahabiyah.com/fa/articleview/1967/>

2. <https://B2n.ir/pu2416>

3. <https://B2n.ir/yz9665>

4. <https://B2n.ir/qk5740>

علمای اهل سنت از همان آغاز در برابر محمد بن عبدالوهاب موضع‌گیری منفی داشتند. زینی دحلان، مفتی مکه، او را «گمراه» خواند و «فتنه وهابیان را بزرگترین فتنه در اسلام» عنوان کرد. شیخ جمیل صدقی زهاوی درباره وهابیت می‌گوید: «خداوند وهابیت را بکشد؛ زیرا این فرقه به خود جرأت داده که همه مسلمانان را تکفیر کند». شیخ انور شاه کشمیری حنفی، محمد بن عبدالوهاب را «مردی کودن و بی‌سواد» نامید، و علامه ابن عابدین حنفی پیروان او را «خوارج زمان ما» دانست.^۱

میراث تفرقه

تحلیل عملکرد محمد بن عبدالوهاب نشان می‌دهد که او فراتر از ابن تیمیه، الگویی کامل از تفرقه‌افکنی در جهان اسلام ارائه داد. محمد بن عبدالوهاب انرژی خود را صرف درگیری با مسلمانان می‌کرد. این رویکرد نه تنها موجب ضعف امت اسلامی شد، بلکه بستر مناسبی برای استفاده دشمنان خارجی فراهم آورد تا بر اختلافات داخلی دامن زده و امت را از هم بپاشند. بنابراین محمد بن عبدالوهاب نمونه‌ای بارز از چگونگی تبدیل اختلافات فکری درونی به ابزار تفرقه‌افکنی است که عواقب آن تا امروز امت اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است.

تحلیل دیدگاه‌های محمد بن عبدالوهاب، نشان می‌دهد که پدیده تفرقه در جهان اسلام، تنها حاصل عامل خارجی نیست، بلکه ریشه در اختلافات فکری و تعصبات درونی نیز دارد که توسط دشمنان خارجی به‌عنوان کاتالیزور برای تشدید بحران استفاده می‌شود. دشمنان بیرونی به‌جای ایجاد تفرقه، ضعف‌ها و اختلافات موجود در جامعه اسلامی (مانند تعصبات مذهبی و ملی‌گرایی) را شناسایی و با سرمایه‌گذاری بر روی آن‌ها، تفرقه را تشدید می‌کنند. این رابطه علی‌پسچیده، به ما نشان می‌دهد که برای مقابله با این پدیده، باید هم با دسیسه‌های بیرونی مقابله کرد و هم به اصلاح ضعف‌های درونی پرداخت.



۱/۳. تحلیل حمله به دوحه و ابعاد حقوقی و سیاسی آن

در یک رویداد بی‌سابقه و خطرناک، جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در روز سه‌شنبه، ۱۸ شهریور، با تجاوز به حریم هوایی قطر، به مقر حماس در دوحه، پایتخت این کشور حمله کردند. این حمله که در بحبوحه مذاکرات آتش‌بس و صلح صورت گرفت، با

1. <https://B2n.ir/qk5740>

هدف ترور سران ارشد حماس، به ویژه خلیل الحیه و خالد مشعل، انجام شد. این تجاوز در یک محله مسکونی، در نزدیکی مدارس و سفارتخانه‌ها رخ داد و منجر به شهادت یک نیروی امنیتی قطری و پنج عضو دفتر سیاسی حماس، از جمله فرزند خلیل الحیه، شد.^۱

دولت قطر این اقدام را به شدت محکوم و آن را «تجاوز غیرقانونی»، «خیانت» و «تروریسم دولتی» توصیف کرد. شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر قطر، در سخنان خود تأکید کرد که این حمله، نقض آشکار قوانین بین‌المللی است و با هدف تضعیف تلاش‌های دیپلماتیک برای صلح صورت گرفته است. وی همچنین اعلام کرد که قطر حق پاسخ قاطع به این حمله را برای خود محفوظ می‌داند و یک تیم حقوقی برای پیگیری اقدامات قانونی لازم تشکیل داده است.^۲

این حمله با محکومیت گسترده جهانی مواجه شد. شورای امنیت سازمان ملل اگرچه با اجماع آرا، این تجاوز را محکوم کرد حتی متحدان سنتی رژیم صهیونیستی، مانند ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه نیز این اقدام را تقبیح کرده و نسبت به پیامدهای آن هشدار دادند، اما در کمال تعجب ضمن بیانیه‌ای صرفاً حمله به قطر محکوم شد و هیچ سخنی از مهاجم یا همان اسرائیل در این بیانیه دیده نمی‌شود.^۳

با این حال، منابع متعددی اشاره می‌کنند که با وجود میزبانی قطر از پایگاه هوایی العدیده، بزرگترین پایگاه هوایی آمریکا در منطقه، سامانه پدافندی آمریکا هیچ اقدامی برای دفاع از قطر انجام نداد و حتی هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی به جنگنده‌های اسرائیلی سوخت‌رسانی کردند.^۴ آمریکا تنها ده دقیقه پس از وقوع حمله، قطر را از آن مطلع کرد که این امر نشان‌دهنده عدم هماهنگی و بی‌اعتباری تضمین‌های امنیتی آمریکا است.



1. <https://B2n.ir/tp4314>

2. <https://B2n.ir/pt9300>

3. <https://B2n.ir/ey6582>

4. <https://B2n.ir/ey6582>

هدیه قطر به ترامپ و سکوت ترامپ در قبال حمله اسرائیل

روابط بین‌المللی در خاورمیانه همواره تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی می‌باشد. در سال‌های اخیر، اهدای هدایای گران‌قیمت از سوی کشورهای عربی به مقامات آمریکایی و همکاری‌های امنیتی میان این کشورها مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، حمله اسرائیل به دوحه و نقش آمریکا در این حمله، موضوع همکاری با غیرمسلمانان را برجسته کرد. امارات متحده عربی در سفر ترامپ به این کشور، نشان "زاید" را که گران‌بهاترین نشان غیرنظامی این کشور است، به او اهدا کرد. این نشان که از طلای خالص ساخته شده، بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ گرم وزن دارد و در جعبه‌ای نفیس تقدیم ترامپ شد. قطر نیز یک هواپیمای اختصاصی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به ترامپ اهدا کرد. ترامپ این هدیه را "حرکتی سخاوتمندانه" خواند و رد کردن آن را "احمقانه" دانست، این هدایا در چارچوب تلاش کشورهای عربی برای تقویت روابط با آمریکا و تأثیرگذاری بر سیاست‌های این کشور صورت گرفته است.

اهدای این هدایای گران‌قیمت می‌تواند نشان‌دهنده تلاش کشورهای عربی برای ایجاد شبکه‌ای از نفوذ در آمریکا باشد. براساس گزارش‌ها، کشورهایمانند عربستان سعودی، قطر و امارات میلیون‌ها دلار برای لابی‌گری در آمریکا هزینه کرده‌اند تا سیاست‌های این کشور را به نفع خود تغییر دهند.

حمله اسرائیل به دوحه، پایتخت قطر، نقش آمریکا در حمایت از این تهاجم را برجسته کرد. این حمله که با هدف ترور رهبران حماس انجام شد، با عدم فعال شدن سامانه‌های پدافندی قطر همراه بود.

براساس گزارش‌های احتمالی، سامانه‌های پدافندی پاتریوت قطر که به دست آمریکا ساخته و نگهداری می‌شود، به‌طور عمدی توسط آمریکا غیرفعال شدند تا هواپیماهای اسرائیلی بتوانند بدون مانع به اهداف خود در دوحه حمله کنند. این سامانه‌ها دارای قابلیت "خاموشی از راه دور" هستند که به آمریکا اجازه می‌دهد در صورت لزوم آن‌ها را غیرفعال کند.

همچنین، آمریکا با وجود آگاهی از نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی، هیچ اقدامی برای دفاع از حریم هوایی قطر انجام نداد. این حمله منجر به کشته شدن یکی از نیروهای امنیتی قطر و زخمی شدن دو نفر دیگر شد. علاوه‌براین، حمله اسرائیل به دوحه اعتماد قطر به آمریکا را به‌عنوان متحد امنیتی خود زیر سؤال برد. **پرش**

آیات و روایات

آیات قرآن و روایات اسلامی به صراحت درباره همکاری با غیرمسلمانان و خطرات احتمالی آن هشدار می‌دهند. این آموزه‌ها می‌توانند مبنایی برای تحلیل روابط کشورهای اسلامی با قدرت‌های غیرمسلمان باشند. قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که یهود و نصاری هرگز از مسلمانان راضی نخواهند شد مگر اینکه مسلمانان از آیین آنان پیروی کنند: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ

الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ».^۱ این آیه نشان می‌دهد که دشمنی کفار با مسلمانان ذاتی است و تنها با ترک اسلام و پیروی از آیین آنان راضی می‌شوند.

قرآن مسلمانان را از دوستی با کفار برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ».^۲ این آیه تأکید می‌کند که کفار آرزو می‌کنند مسلمانان نیز مانند آنان کافر شوند تا با هم برابر باشند؛ بنابراین، مسلمانان نباید آنان را به‌عنوان دوست و ولی خود انتخاب کنند.

اصل "نفی سبیل" یکی از اصول مهم اسلامی است که براساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۳ استوار است. این آیه بیان می‌کند که خداوند هرگز برای کافران راه تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است. براین اساس، هرگونه رابطه‌ای که منجر به سلطه کفار بر مسلمانان شود، ممنوع است.

۳/۲. پیامدهای راهبردی و چشم‌انداز آینده

حمله به قطر، فراتر از یک رویداد نظامی، دارای پیامدهای راهبردی عمیقی برای منطقه و کل جهان اسلام است. این حمله، به‌طور عملی «چتر امنیتی» آمریکا در منطقه را بی‌اعتبار کرد. این اقدام پیامی به دیگر کشورهای منطقه، به‌ویژه متحدان آمریکاست که هیچ سرزمین یا روابط دیپلماتیکی مصون از حملات اسرائیل نیست و حتی روابط نزدیک با واشنگتن نیز تضمین‌کننده امنیت آن‌ها نخواهد بود. این امر می‌تواند موجب تجدید نظر کشورهای منطقه در ائتلاف‌های خود شود. از منظر دیگر، این حمله می‌تواند یک نقطه عطف باشد. این اقدام پتانسیل ایجاد یک جبهه مشترک اسلامی را دارد؛ زیرا تجاوز به یک کشور عربی، تجاوز به همه امت اسلامی تلقی می‌شود. این رویداد قادر است معادلات منطقه را از محور ضدایرانی به محور ضداسرائیلی تغییر دهد.

این حمله به وحدت امت اسلامی باز می‌گردد. حمایت کشورهای عربی و اسلامی از قطر، نشان‌دهنده این است که با وجود اختلافات، یک حس مشترک علیه تجاوز به حاکمیت اسلامی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای شکل‌گیری یک جبهه واحد در برابر تجاوزات آتی به کار گرفته شود.

ناوگان‌های «صمود»؛ گزارش وضعیت و پیام نمادین آن



۱. سورة بقره، آیه ۱۲۰.

۲. سورة نساء، آیه ۸۹.

۳. سورة نساء، آیه ۱۴۱.

۴/۱. تاریخچه و اهداف ناوگان‌ها

ناوگان صمود (پایداری و مقاومت)، بزرگ‌ترین کارزار دریایی برای شکستن محاصره غزه است. این ناوگان ابتکاری بین‌المللی می‌باشد که از ائتلاف‌های مختلفی مانند «ناوگان آزادی» و «جنبش جهانی غزه» شکل گرفته است. طبق گزارش‌ها، بیش از ۷۰ کشتی از ۴۴ کشور جهان در تشکیل این کاروان بزرگ مشارکت دارند.^۱

اهداف این ناوگان، چندگانه و فراتر از یک حرکت صرفاً لجستیکی است. هدف اصلی آن رساندن کمک‌های حیاتی از جمله غذا، دارو و سایر اقلام ضروری به مردم محاصره شده نوار غزه است، با توجه به اینکه مسیرهای سنتی زمینی و هوایی مسدود یا غیرقابل دسترس هستند، اما در کنار این هدف بشردوستانه، یک هدف راهبردی و نمادین نیز وجود دارد: شکستن محاصره ظالمانه و غیرقانونی رژیم صهیونیستی و بازتاب صدای مردم فلسطین به جامعه جهانی.

۴/۲. موانع و چالش‌های پیش‌روی ناوگان و وضعیت کنونی

ناوگان صمود در مسیر خود با موانع و چالش‌های متعددی روبروست. اصلی‌ترین مانع، تهدیدات و اقدامات رژیم صهیونیستی می‌باشد. این رژیم تهدید کرده که فعالان و کشتی‌ها را بازداشت و از ورود کمک‌ها جلوگیری خواهد کرد.^۲ سابقه حمله به کاروان‌های مشابه مانند ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰، نشان‌دهنده جدیت این تهدیدات است. همچنین، این رژیم گذرگاه‌های غزه را از مدت‌ها قبل بسته نگه داشته که همین امر بحران انسانی و گرسنگی را در منطقه تشدید کرده است. باین وجود، طبق آخرین گزارش‌ها، حرکت کشتی‌ها ادامه دارد. این کشتی‌ها از بندرهای مختلف اروپا (مانند بارسلونا و جنوا) و شمال آفریقا (مانند تونس) حرکت خود را آغاز کرده و در حال پیوستن به یکدیگر در آب‌های بین‌المللی هستند. این حرکت، نمادی از عزم و پایداری در برابر فشارها و تهدیدات است.

۴/۳. پیام صمود و بازتاب آن در افکار عمومی

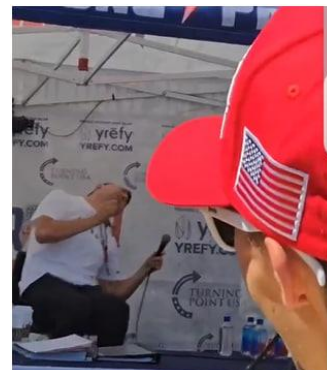
ناوگان صمود فراتر از یک کاروان امدادی، بلکه جنبشی جهانی و نماد قدرتمند از پایداری است. این حرکت نشان‌دهنده بیداری وجدان‌های جهانی در برابر جنایات رژیم صهیونیستی است. حضور فعالان مردمی از ده‌ها کشور و قاره مختلف، درحالی‌که بسیاری از دولت‌ها چشم خود را بر فاجعه بسته‌اند، نشان‌دهنده شکاف عمیق میان سیاست‌های دولت‌ها و خواسته‌های ملت‌ها در گستره بین‌الملل می‌باشد.

پیام اصلی ناوگان صمود این است که حمایت از فلسطین از مرزهای جغرافیایی و مذهبی عبور کرده و به یک مطالبه جهانی برای عدالت و انسانیت تبدیل شده است. این ناوگان یک چالش مستقیم برای محاصره غیرقانونی غزه است و هرگونه حمله به آن

1. <https://B2n.ir/wm2189>

می‌تواند بحران دیپلماتیک بزرگی ایجاد کند. در نتیجه، ناوگان صمود نه تنها سمبل امید برای مردم فلسطین، بلکه نمادی از قدرت وحدت مردمی در برابر ظلم و بی‌عدالتی است.

ترور چارلی کرک در آمریکا؛ تحلیلی بر بستر دوقطبی‌سازی و پیامدهای آن



۵/۱. جزئیات واقعه و واکنش‌های مقامات آمریکایی

در یک رویداد تکان‌دهنده، چارلی کرک، فعال سیاسی محافظه‌کار و یکی از متحدان بانفوذ دونالد ترامپ، در یک گردهمایی دانشگاهی در ایالت یوتا با شلیک گلوله کشته شد. این ترور در حالی رخ داد که کرک در حال سخنرانی در جمع حدود ۳۰۰۰ نفر از هواداران خود در دانشگاه یوتا ولی بود. این واقعه نمادی از تشدید خشونت سیاسی در ایالات متحده و عمق فضای دوقطبی در این کشور تلقی شد.

این ترور به سرعت واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت. ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، با لحنی خشمگینانه، «چپ رادیکال» را مقصر این ترور دانست و کرک را «شهید حقیقت» و «شهید آزادی» نامید. او همچنین دستور داد پرچم‌های ساختمان‌های دولتی به حالت نیمه‌افراشته درآیند. مقامات دموکرات نیز این خشونت را محکوم کردند. جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، در پلتفرم ایکس نوشت: «در کشور ما جایی برای این نوع خشونت وجود ندارد. باید همین حالا پایان یابد». اسپنسر کاکس، فرماندار یوتا، نیز این حادثه را یک «ترور سیاسی» خواند و از آمریکایی‌ها خواست که از خشونت دوری کنند.

۱

۵/۲. ترور کرک، نمادی از بحران خشونت سیاسی در ایالات متحده

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترور کرک را باید در چارچوب فضای به‌شدت قطبی و افزایش خشونت سیاسی در آمریکا طی سال‌های اخیر تحلیل کرد. در این فضا، هر دو حزب اصلی آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که راه رسیدن به قدرت سیاسی، حذف

کامل طرف مقابل است. این دیدگاه، جایی برای همکاری و گفت‌وگو باقی نمی‌گذارد و صندوق رأی جای خود را به خشونت سیاسی می‌دهد.

زمانی که جامعه از نظر سیاسی براساس خطوط هویتی تقسیم شده باشد، احتمال بروز خشونت سیاسی بیشتر می‌شود؛ چرا که طرفداران احزاب رقیب، مخالفان سیاسی خود را به شکل دشمن در میدان جنگ می‌بینند که تهدیدی وجودی برای هویت آن‌ها تلقی می‌شود و باید حذف شود. این بحران عمیق، نشان می‌دهد که حتی نظام دموکراتیک کذایی آمریکایی نیز می‌تواند در صورت تشدید قطبی‌سازی، به سمت خشونت و ناامنی سوق یابد.

۵/۳. فرضیه نقش احتمالی رژیم صهیونیستی

درحالی‌که برخی تحلیل‌ها ترور چارلی کرک را به فضای دوقطبی داخلی آمریکا محدود می‌کنند، برخی منابع دیگر مانند روزنامه کیهان یک فرضیه جایگزین و پیچیده‌تر را مطرح کرده‌اند که بر اساس آن، احتمال دست داشتن رژیم صهیونیستی در این ترور وجود دارد. این تحلیل بر گزارش‌هایی استوار است که نشان می‌دهد کرک، علی‌رغم حمایت‌های قبلی خود از این رژیم، در ماه‌های اخیر در مواضع حمایتی خود تجدیدنظر کرده بود.^۱

طبق این گزارش‌ها، کرک به‌صراحت از سیاست رژیم صهیونیستی مبنی بر کشاندن آمریکا به جنگ با ایران انتقاد کرده و گفته بود که «وارد شدن به جنگ با ایران، یعنی فرو رفتن در بدترین باتلاق خاورمیانه...».^۲

او همچنین در ویدئویی مطرح کرده بود که باید پرسید آیا سلاح هسته‌ای ایران تهدیدی برای آمریکاست؟ شاید برای اسرائیل باشد، اما لزوماً برای آمریکا نه.^۳ این انتقادات، به‌ویژه در محیط حساس لابی‌های سیاسی در واشنگتن، می‌تواند انگیزه کافی برای حذف یک چهره تأثیرگذار را فراهم کند.

این فرضیه، ترور کرک را از یک مسئله صرفاً داخلی آمریکا فراتر برده و آن را به پیچیدگی‌های سیاست خارجی و تلاش‌های بازیگران خارجی برای حفظ نفوذ خود در واشنگتن مرتبط می‌سازد. این نوع تحلیل، به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه حتی مسائل داخلی یک کشور غربی نیز می‌تواند به مسائل جهان اسلام مرتبط باشد و دسیسه‌های دشمنان، فراتر از مرزهای جغرافیایی عمل می‌کنند.

1. <https://B2n.ir/kp9421>

۲. همان.

۳. همان.

پیشنهادهای راهبردی

تحلیل جامع تحولات پنج‌گانه مورد بررسی در این بولتن، ما را به یک حقیقت واحد رهنمون می‌سازد: وضعیت کنونی جهان اسلام و چالش‌های پیش‌روی آن، از تفرقه داخلی تا تهاجمات خارجی، همگی در یک جا به هم می‌رسند و آن، ضرورت حیاتی «وحدت اسلامی» است.

۱. بحران در غرب و فرصت برای جهان اسلام: ترور یک چهره سیاسی در ایالات متحده، نشان‌دهنده عمق بحران درونی در نظام‌های غربی است. این بحران، در تضاد کامل با شعارهای صلح و ثباتی است که این کشورها در جهان ترویج می‌کنند. این واقعیت، فرصتی را برای جهان اسلام فراهم می‌سازد تا با تکیه بر اصول الهی و وحدت‌بخش خود، راه سومی را در مقابل افراط‌گرایی و دوقطبی‌سازی‌های فکری و سیاسی ارائه دهد.

۲. یاغی‌گری رژیم صهیونیستی و لزوم تشکیل جبهه مشترک: حمله رژیم صهیونیستی به قطر، که یک کشور عربی و متحد غرب است، نشان داد که این رژیم هیچ قاعده و قانونی را به رسمیت نمی‌شناسد و با هدف قرار دادن دیپلماسی، به دنبال تداوم بی‌ثباتی است. این اقدام، «چتر امنیتی» آمریکا را بی‌اعتبار کرد و این پتانسیل را ایجاد نمود که کشورهای منطقه به جای تمرکز بر اختلافات، به یک جبهه مشترک ضداسرائیلی تبدیل شوند. این رویداد، آزمونی بزرگ برای امت اسلامی در تحقق وحدت در عمل است.

۳. قدرت وحدت مردمی در برابر سیاست‌های دولت‌ها: حرکت ناوگان صمود، نمادی از پایداری و وجدان بیدار جهانی است. حضور فعالان مردمی از ده‌ها کشور مختلف، درحالی‌که بسیاری از دولت‌ها در برابر جنایات سکوت کرده‌اند، نشان‌دهنده شکاف عمیق میان ملت‌ها و دولت‌ها و قدرت بی‌بدیل وحدت مردمی در برابر ظلم است. باید از این جنبش، به‌عنوان الگویی موفق از همبستگی، حمایت شود.

در نهایت، از تمامی تحلیل‌های ارائه شده، این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که وحدت اسلامی، تنها راهکار در برابر تهاجمات نظامی، فکری و سیاسی استکبار و رژیم صهیونیستی است. از بحران ترور چارلی کرک که نشان از عمق بحران در غرب دارد، تا حمله به قطر که نشان از یاغی‌گری اسرائیل دارد، همگی دال بر یک واقعیت واحد هستند: لزوم بازگشت امت اسلامی به هویت واحد خود.